

#### گفتاری در باب برنامه‌های طنز تلویزیون

بر ارباب همت و غیرت پوشیده نیست که پارسیان شهر عالم‌اند به طنازی و زبان پارسی همواره شیرین و نمکین خوانده شده، این صفت در آثار منظوم و ممتور ادیبانی که در این رشته به کمال رسیده‌اند هویدا است کسانی چون سعدی و عبید (جهنمی هجاگو) که همواره در قالب کلامی نغز که از پرویزن معرفت بیخته و به شهد ظرافت برآمخته‌اند نوشداروی پند را به گوش جانها ریخته‌اند. اما معیارهای طنز و مطایبه سالهاست در این ملک دگرگون شده است دیگر کمتر کلام نغزی به گوش می‌رسد و هر چه که شنوده و یا رویت می‌شود گفتار و رفتار سخیفی است که ریشه در لودگی دارد و سخت عوام‌پسند اما عوام را نیز صبری است و چون کاسه صبر لبریز شود، لاعلاج بی‌تابی را پیشه کنند و یا بی‌اعتنا شوند. در سنوات قدیم طنز کلامی بود که گذشتگان جهت داد و نستاندن از مهتر و کهتر به کار می‌بستند، اما امروزیان در به کار بستن طنز به غرقابه‌ای اندر شده‌اند که باز آمدنی در آن نیست.

جد همه ساله جان مردم بخورد

هزل همه روزه آب مردم ببرد  
در طول پنج سال گذشته جوانان کم و بیش با استعدادی پای به میدان فراخ برنامه‌های طنز تلویزیون نهادند، اما تنگ نظریهای مرسوم چنان عرصه را به آنان تنگ کرد که یاد خود پس از تحمل مرارتهای چند پای پس کشیدند و یا به لطف دیگران گوشه‌نشین شدند بودند کسانی در این میان که استعانت از سنگ پای قزوین به حیات خود ادامه دادند و در عرصه طنز پای فشرده، اما

در این چند سال گذشته که کشتی بان را سیاسی دیگر آمد آنان نیز می‌بایست سیاسی و شاید حرفه‌ای دیگر را پیشه می‌کردند ولی عدم ادراک شرایط عدم شناخت احوالات همگان آنان را به ورطه هولناک پرکاری، ابتذال و عوام‌پسندی سرازیر کرد و نتایج غایی آن در نوروز امسال به زبور پخش تلویزیونی آراسته شد و نشد آنچه نباید می‌شد اب شدن یخ‌های روابط هر چند باعث انبساط شد، اما این فیض و بسط چنان ناگهانی بود که باعث بروز شکافی در طبع نازک دوستان گردید. هزل دایم و جامع‌الشبکه دوستان نه فقط باعث انبساط خاطر نگردید بلکه سبب‌ساز استخفاف و کسر عرض شد، چنانکه حکمای پیشین نیز فرموده‌اند.

افد طبعک المکدور بالهم راحة

براح و علله شئی من المرح

ولکن اذا اعطیت ذلک فیلکن

بمقدار ما یعطی الطعام من الملعج

(خاطر گرفته و مکرر خود را با شوخی و مزاح تسکین ده

ولی بمانند مقدار نمک غذا اندازه نگاهدار)

\*\*\*

پس از موفقیت نسبی سری برنامه‌های نوروز ۷۲ همچون هر موفقیت دیگری در عالم تصویر دنباله‌سازی لازم آمد ساعت خوش و جنگ ۳۹ پا به عرصه وجود گذاشتند و باقراط در لودگی و نمایش شوخی‌ها و لطایف لمپنی نه تنها خواص، بلکه گردانندگان سیما را نیز دل چرکین کردند، پس به جهت جلوگیری از افساد بیشتر راه آنان را سد کردند تا بیش از این به درون گرداب ضلالت غوطه نخورند.



اما یادمان باشد که این سخافت عامه مردم را خوش آمد، چون این مردم تربیت شده مکتب فیلمفارسی و رهین منت ظهوری همایون و میری هستند. (این یادآوری را بر من ببخشائید این مردم حافظه تاریخی ندارند و حقایق راهواره چون نیستند بایستی به پهلوئی آنها فرو کرد) فیلمفارسی در طول شش دهه آن چنان سلیقه‌ای برای این جمعیت تدارک دید که با وجود جدیت دو دهه اخیر، گردی بر دامن کبریایی کمیک سازان ننشست. تلویزیون ثابت پاسال و بعدها تلویزیون ملی نیز دنباله رو همین سبک و سیاق بودند. از مراد برقی گرفته تا آقای مربوطه و از کاف شو تا برنامه‌های سطح بالاتری مانند شبکه صفر که این آخری باید با اندکی اغماض نگریده شود، که نوع اجرا و جسارت انتقاد اجتماعی حسن خیاط باشی و دیگر سازندگان کم‌نظیر بود. همان‌گونه که نوروز ۷۲ به مدد حضور داریوش کاردان حال و هوای دیگری داشت و سعی بر این بود تا مردم را وادار کنند تا به جای خندیدن به همدیگر، با یکدیگر بخندند



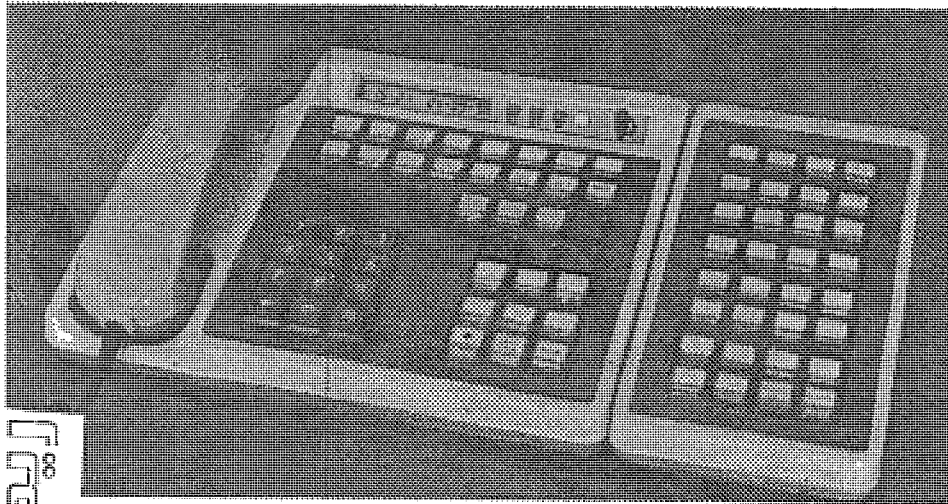
و اما نوروز امسال، سال هجوم بی‌امان و چشمگیر بازیگران نوروز ۷۲، ساعت خوش، و جنگ ۳۹ به هر پنج شبکه دایر تلویزیون بود. در کنار این آقایان دو دسته دیگر نیز دست اندکار عصبی کردن تماشاگران سیما بودند، یکی، بازیگران صبح جمع رادیو به سرکردگی منوچهر نوذری در برنامه جدی نگیرید (می‌گویند الاسماء تنزل من السماء، الحق که شایسته نامش است) و دوم، دار و دسته هوشنگ هدایتی در برنامه سلام تهران که دست کمی از دسته اول ندارند.

شبکه اول نوروز ۷۷ و در برنامه کودک ایستگاه ۷۷، شبکه دوم برنامه نوروز ۷۷ و سبز در سبز (تکرار آیتم‌های قبلی ساعت خوش)، شبکه سوم گل‌های ۷۶، جنگ سی‌نما و جدی نگیرید، شبکه چهارم طنز نزدیک از نوع چهارم و شبکه تهران سلام سلام و سلام تهران را پخش کردند.

در این آشفته بازار که تهیه‌کننده و حتی مجری نوروز ۷۷ و گل‌های ۷۶ افراد واحد بودند شباهت‌های گریزناپذیر و زایل‌کننده حوصله فراوان بود (آخر در کجای دنیا سراغ دارید که یک مجری در آن واحد تقریباً همزمان در دو شبکه تلویزیون برنامه اجرا کند) و اما اندر آداب و احوال بازیگران رادیو، با اندک صرف حوصله و نیم‌نگاهی به برنامه‌های تلویزیونی لوس آنجلس نشینان به راحتی می‌توان دریافت که شعور برنامه‌سازی تلویزیونی آقایان از دهه پنجاه بالاتر نرفته و حتی همجواری با خارجیان در بیش از یک دهه نیز نتوانسته اندکی بر کیفیت کارشان بیفزاید آنها که خیانت کرده و رفته‌اند!!! اما بعضی از آنها که مانده و یا به قصد خدمت برگشته‌اند و ای کاش خیانت می‌کردند و می‌رفتند و می‌مانند! به همراه نوآمدگانی هم‌رنگ و همخوی خودشان با کمک همان تیپ‌سازهای سخیف دهه ۳۰ و ۴۰ یعنی حتی دو دهه قبل‌تر از برنامه‌سازان فراری که متکی بر هجو ضعف‌های جسمانی، لهجه‌ها، تیره‌ها و اقوام بود، سعی در خندانیدن مردم دارتد و راه به خطا می‌پیمایند.

همتایانشان، گروه هدایتی و سلام تهران نیز فرزندان خلف همین گروه هستند که اگر تازگی و نوآوری در اوایل کارشان مشاهده می‌شد، با تکرار مکررات به لجن کشیده شدند و سال به سال دریغ از پارسال

# شرکت آساتل فن



زیمنس در آلمان

زیمنس در آلمان

زیمنس در آلمان

تمایز یافته تلفتسازان در امر

فروش مراکز تلفن سواتتال

زیمنس آلمان

مدلهای EMS، کامپکت و تیمست در

ظرفیت‌های مختلف با گارانتی یکساله و

ضمانتنامه معتبر برای تأمین قطعات و ارائه

سرویس و خدمات پس از فروش در سراسر ایران

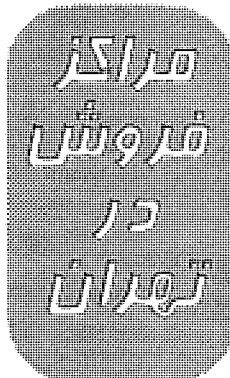
خیابان جمهوری چهارراه دانشگاه

شماره ۱۸۱ تلفن ۶۴۶۴۰۷۳

ارتباطات ایران ۳۰۴۸۷۳-۳۱۱۸۱۴۰

گالری تلفن ۳۱۱۸۰۰۸-۳۹۶۱۱۱

الکترونیک تلفن ایران ۶۴۰۰۸۷۳



و بالاخره پرکارترین‌ها: مهران مدیری و گروهش، رادش و اطرافیان، نادر سلیمانی که تقریباً در هر شبکه‌ای انتخاب کنید حضور دارد، سعید آقاخانی که پیش از این برنامه‌های شبکه ۲ نیز باز شده و بیژن بنفشه‌خواه که پیش از این حضور در برنامه‌های کودک می‌باشد (ایستگاه ۷۷) و یک‌تاز میدان یوسف صیادی و همپالکی‌هایش که الحق با این جنگ سی‌ما و آیتم‌های دل‌غشه‌آورشان آنچنان بلای به سر وقت و اعصاب تماشاگران تلویزیون آوردند، که گمان نمی‌کنم با طول درمانی به مدت پانزده روز هم درمان شود به شرطی که دوستان لطفشان را در آن پانزده روز دیگر از ما دریغ فرمایند.

انگاری قحط‌الرجال آدمیزاد در این مملکت پیش آمده که گروهی معین باید برنامه طنز تهیه و اجرا کنند، راستی مدیران تأمین هر پنج شبکه را چه شده که با سه اخت هر طرح سخیفی موافقت می‌فرمایند؟ مگر درجه این برنامه‌ها از دال یا جیم بالاتر رفته است؟ آیا ارزیابی کیفی فراموش شده است؟

سخن گفتن از ظرافت‌های تکنیکی در ساخت برنامه‌ها که خوش خیالی است نماهای طولانی که همه از یک زاویه فیلمبرداری شده‌اند (اصلاً تدوین به چه کار می‌آید امروزه در سازمان فخمه‌سیما هر اپراتوری نام تدوینگر بر خود گذاشته است و دور نیست روزی که اصلاً دوربین را هم نفی کنند) جدای از فقر تصویری مفرط، ظهور و پایداری تعدادی نابازیگر در عرصه نمایش تلویزیونی است که تنها هنرشان کج کردن لب و لوجه است و خنده‌های شتری آخرین پدیده مکشوفه دوستان لعبتی است مشابه مستر بین که در جنگ سی‌ما به هموطنان معرفی شد.

زمان قاضی بی‌رحمی است و تاریخ بدتر از آن، اسطوره ساعت خوشی‌ها و سایرین پس از پنج سال شکسته است، در آن وانفسا وجود دوستان و لودگی‌هایشان شاید غنیمی بود اما حالیه به کار نمی‌آید، لاقدر در این جغرافیا و زمان به کار نمی‌آید.

دادن مجوز ساخت به چند جنگ تلویزیونی که فقط به قرض پر کردن ساعت آنتن - آنتنی که با مالیات و عوارض مردم اداره می‌شود - ساخته می‌شوند و از تعدادی آیتم بی‌مزه و مصاحبه با کارشناسان خیابانی خبره در همه امور تشکیل شده‌اند، چه نقطه روشنی در کارنامه این آقایان به حساب می‌آید؟ چرا در سیما فیلم بلند تلویزیونی تولید نمی‌شود؟ چرا به افراد حرفه‌ای اجازه کار داده نمی‌شود؟ و هزاران چرا و اماهای دیگر...

در آستانه سال جدید خانه تکانی در تلویزیون لازم است، سیستم برنامه‌سازی تلویزیون باید دگرگون شود. (هر چند محدودیت پخش اجازه هر کاری را به برنامه‌سازان نمی‌دهد و ضوابط پخش تلویزیون بسیار بدتر و محدودتر از سینما است) و دقیقه‌های سازی باید از میان برداشته شود که منشاء کیلویی سازی است.

به فکر کیفیت باشیم همانگونه که وجود پنج شبکه لازم و ضروری نبود، افزودن به ساعات پخش نیز واجب نیست، شبکه کمتر، پخش کمتر، اما کیفیت بیشتر و برنامه‌های بهتر.

لاف از سخن چو در توان زد

یادمان باشد سلیقه و پسند گردانندگان باعث مسخر شدن شبکه‌ها بدست این دل‌فکان بی‌مایه شده است پس آنان را حرجی نیست، باید با انتصاب کارگزارانی آگاه و باشعور در صدد بالا بردن کیفیت برنامه‌ها بود. فراموش نکنید صبر مردم هم اندازه‌ای دارد. از چنین رسانه قدرتمندی درست و به جا استفاده کنید، یادتان باشد، تنها وسیله انتخاب تماشاگران تلویزیون خاموش کردن این قوطی بگیر و بنشان است. پس کاری نکنید تا روز بروز از تعداد تلویزیونهای روشن کمتر شود. به عزاحت نگفتم این گفتار هزل بگذار و جد از او بردار